

مدیر مسئول: فاطمه رضایی

سر دبیر: مریم السادات پورمسجدی میبدی

ویراستار: فاطمه جواهری مقدم

طراح و صفحه آرا: طاهره مهراندوز



نشریه سیاسی - اجتماعی - فرهنگی

نشریه صریر

شماره نشریه: شماره 9 پاییز 99- شماره مجوز: 53200/622/100/2/د



به نام خالق یکتا

زینب های زمانه..

در اثنای ورق خوردن تاریخ، شباهتی بس عجیب چشم ها را به خود مجذوب میکند، زینبی(س) را می شناسیم که، یک تنه بار اسارت را در نبود خانواده به دوش کشید، همواره پرستاری فرزندان برادرش، حسین(ع) و بیمار کربلا، امام سجاد(ع) را بر عهده داشت و خم به ابرو نیاورد...

حال، قرن ها از آن روزها می گذرد و شما ها زینب زمانه اید و اگر نبودید، به راستی که ما در خود می ماندیم...

داغ دوری خانواده، از چروک افتاده بر پیشانی ها و بغض خفته در صورتتان، حتی از زیر ماسک های چند لایه نیز به وضوح دیده می شود؛

دیدن بال هایتان نیز که پنهان گشته اند، در پس آن لباسهای طاقت فرسا، چشم بصیرت نمی خواهد؛ آخر فرشته بودن شما که نیازی به اثبات ندارد...

شما دست خدا بر روی زمین هستید و ما دل داده ی جان فشانی هایتان...

مدال های زر به دور گردنتان رنگ می بازند و همه کبود می شوند؛ مگر می شود مدالی در خور شما یافت؟!

به راستی، روزی که خدا گل شما را می سرشت، خاکتان را از کوی عشق برداشت و با آب سرچشمه حیات در هم آمیخت که اینچنین سراسر همه عشقید...

در عجبم از مردمانی که مقابل التماس هایتان، انگشت در گوش فرو کرده و عزیمت سفر می کنند...

و تویی که افزون بر پرستار یک مادری، بهشت اعلاء نه تنها به زیر پاهایت، بلکه در کف دستانت نیز یافت می شود...

آری، من و تو، همه مان در ابتدای آمدن به این دنیا، در حصار آغوش مادرمان چشم باز کردیم که اولین و حقیقی ترین پرستارمان بود.

مادری که از شیر و جودش به فرزندش می بخشد و جوانی اش را وقف رشد و بزرگ شدن جگر گوشه اش می کند...

و اما،

تو،

آری با خود تو هستم،

باورت گر بشود، گر نشود،

تو هم یک پرستاری،

پرستار چشم و قلب و عقلت،

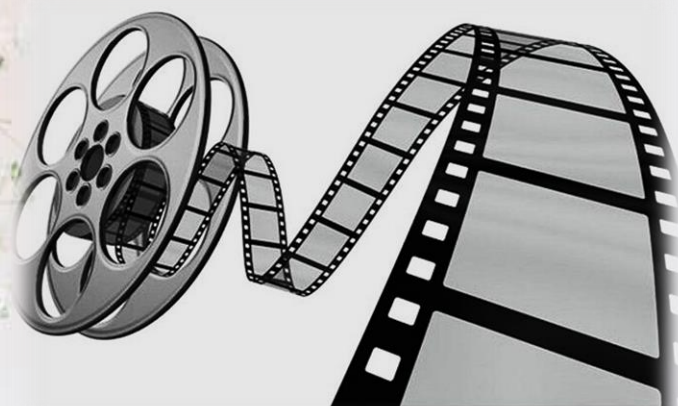
مبادا خدشه ای بر پیشه ات وارد بسازی

و چشمانت لرزه ای به دل وارد کند و عقل را از کف بدهی، که دنیا هیچ به این از کف دادن ها نمی ارزد...

گفتن از پرستاران، این فرشتگان زمینی، محال است در چند خط به تحریر در آید، پس لب از زیاده گویی فرو می بندم و این روز را به همه پرستاران، که صبری زینبی را پیشه کرده و دل به غبار دنیوی نداده اند، تمام قد تبریک می گویم.

نویسنده: فاطمه حاج حسنی

...معرفی مستند...



معلم مهر.

گفته خانم دانا معلم عاشق است و هیچ گاه از این کار خسته نمی شود. حتی در صفوف نماز و عبادت هم با "سجاده معلم" بچه ها را به راز و نیاز با خلوص و با عمق وجود دعوت می کند و الگو شان می شود.

او عاشق است؛ عاشق بچه ها... عاشق گچ و تخته سیاه که همچون نوری در لوح سیاه ذهنشان تداعی می شود و او دریچه ای از مسیر علم و زندگی را بر آن رقم می زند.

در سرزمینم ایران کم نیستند از خانم های دانایی...

مستند "معلم مهر" از همه آن ها روایت می کند. معلم های خلاق و نمونه کشور، که هریک کوله باری از تجربه و موفقیت هستند و برای هر کدام از ما افتخار و سر مشق شغلان، عشقمان، هدفمان، هستند. نویسنده: عارفه زارع زاده

خانم دانا معلم مدرسه معراج قم با جان و دل در مسیر معلمی قدم برداشته است او معتقد است معلمی در کارش موفق است که، از جان مایه می گذارد و از خود گذشته می کند، معلمی که عاشق بچه ها (دانش آموزان) باشد. او این حرف را با عمل ثابت کرده است.

وقتی بچه های کلاسش با تمام وجود سراپا گوش می شوند و شوق یادگیری آن ها در بازی های کلاسش و حتی زنگ ورزش در چشمان دانش آموزان موج می زند، یعنی موفق است.

حتی موفق است در درس زندگی دادن به بچه ها، رسم همکاری و مشورت، اعتماد به هم، خلاقیت در راهشان و...

در "معلم مهر" تمام زیبایی های معلمی به تصویر کشیده شده، به



من از نسلی هستم که جنگ رو ندیدم، تصورش کردم

ساعت گذاشته بودن که بلند شن. آتیش عراقی خیلی سنگین بود و خیلی شهید میدادیم. خیلی ها مجروح شدن؛ میرفتیم جلو میجنگیدیم، ولی وقت عقب نشینی نمیتونستیم همه رو برگردونیم و یه سری از شهدا و حتی مجروح هامون جا میموندن سمت دشمن. حالا نشسته بودم داشتم با دوربین از خاکریزمون نگاه میکردم به عراقی هایی که ۲۰۰ ۳۰۰ متر باهاشون فاصله داشتیم. یکی از بچه هامون مجروح شده بود و عراقی ها برای اینکه اذیتش کنن چند نفری وایساده بودن بالا سرش و هی اطرافش تیر میزدن، یه جور زجرکش کردن. پاهاش به سمت خاکریز خودمون بود و هرازگاهی هی سرش رو میاورد بالا و یه نگاه به خاکریزمون میکرد و دوباره سرش میوفتاد. طاقت نیاوردم، دوربین رو کوبیدم

بابا دوباره چهارتا تار سیبیلی شده بود و چون بلد بوده آمپول بزنه شده بوده آقای دکتر: !
_یه شهری از عراق هست به نام فاو. ایران رو رد میکنی، از اروند رود میگذری و وارد فاو میشی. جایی که من نشسته بودم و داشتم با دوربین مواضع عراقی ها رو نگاه میکردم. تازه چندروزه این بخش هارو گرفتیم و تا دیروز اینجا سنگر عراقی بوده، هنوز تو نیزار ها عراقی اسیر میکردیم. لحظه ای که وارد کانال ها شدیم از شدت آتیش دشمن هیچ چاره ای نداشتیم جز اینکه فقط دست و پای جنازه های عراقی رو بگیریم و بندازیمشون لبه ی کانال. شب توی کانال جاشون خوابیدیم. چند بار نصفه شب صدای دینگ دینگ ساعت مچی های جنازه های بالای سرمونو شنیدم،

بابا که برام از خاطراتش میگه نگاهش میکنم، ۱۶ ساله اش میکنم و فقط چهارتا تار سیبیل میذارم براش بمونه. از امدادگر بودنش که میگه با فیلم های جنگ جهانی تو ذهنم قاطی میشه و روی دستش علامت + قرمز میاد ، بعد میگه جبهه و خاکریز و سنگر و من هرچی از راهیان نور دیدم میچسبونم تنگ تصویرم از جنگ!
من از نسلیم که جنگ ندیدم... گلوله از کنار گوشم رد نشده، "امشب باهم تو سنگر میخندیدیم فردا از ۵ نفر ۳ تا بودیم" تجربه نکردم و این ها همه برام غریبه هایی که نزدیکه بهم، به اندازه ی پدرم! به اندازه ی کشورم. دفاع مقدس ندیدم و حس میکنم دفاع من هم بوده. ولی من فقط شنیدم. و حالا میخوام تعریف کنم. از وقتی نشسته بودم تو ماشین و

داره. معنی داره که کینه برادر کشی تبدیل به برادری بشه یعنی چی. معنی داره که من ۵۰ ساله و جنگیدم و این عراقی روبه روی منم ۵۰ سالشه و با ما جنگیده و دوتامون اینو یادموه! ولی الآن لحظه آخر که دارم برمیکردم ایران حاج علی، میزبان من توی کربلا، سرش رو گذاشته بود روی شونه ی من و گریه میکرد و میگفت من دلم برای شما تنگ میشه.

بابا تعریف میکنه و من نگاه میکنم. من جنگ ندیدم ولی خشم

جمع میکنن تا این یه روز برای زائرای ابا عبدالله (ع) سنگ تموم بذارن و بهترین چیزایی که میتونن آماده کنن. بچه هایی که لبه های جاده نشستن و سینی خرما روی سرشون گرفتن. ادم هایی که افتخارشون اینه که پاهای زائرا رو ماساژ بدن و تاول پاهاشون رو تخلیه کنن و ...

اینجا فاو_العماره است. همون جایی که من تفنگ کنار دستم بود و نگاهش میکردم.



حس کردم وقتی بابا از زجر دادن شهیدمون تعریف میکرد. من اربعین نرفتم ولی اشک تو چشم جمع شد وقتی بابا از اوج برادری و نزدیکیمون با این مردم گفت.

این معجزه است. برای نسل من هم فهمیدنیه. السلام علی الحسین: سلام بر تو، ای اعجاز تاریخ

این ها مردم عراق اند. همون کسایی که کینه ی برادر کشی بهشون داشتیم. جاده همون جاده است ولی انگار داره به یه جای دیگه میرسو تتمون: از جنگ رد شدیم و داریم برادری میکنیم. با هم جاده رو رد میکنیم و ته این جاده یه مرد واپساده قدِ تاریخ! که هنوز تاریخ ماهارو عوض میکنه.

این حسین کیست ... ؟

برای نسل جنگ، اربعین معنی

روی خاک و پاشدم:

_دارن بنده خدا رو زجرکش میکنن باید بریم بیاریمش.

عصبانیت و کینه به اون عراقی های خدانشناس رگ های بدنم رو طی میکرد.

...فرمانده اجازه نداد.

_آتیش سنگینه. چاره ای نداریم. هرکی بره خودش هم مجروح و شهید میشه و میمونه.

اون بنده خدا رو تیر زدن شهید کردن ولی کینه های برادر کشی و پدر کشی بین این دو تا مردم که تفنگ دست گرفتن و هم دیگه رو نشونه رفتن و کشتن، موند.

حالا بابا ۴۰_۵۰ ساله شده و سیبیل هاش سفید قاطیش داره.

داره میره زیارت و واپساده لب جاده. یکی داره التماسش میکنه که سوار ماشینش شه. میگه از العماره است. العماره: ...

_یاد اون مجروح و فاو از تو ذهنم گذشت. ما جاده ی فاو_العماره رو از تو سنگرها با دور بین میدیدیم ... خیلی برام خاطره داشت. سوار شدم. ذهنم یاری نمیکنه ولی شاید دو ساعت توی مسیر بودیم.

ایرانی هایی که از این جاده رد میشدن و موکب ها جلوی چشم هام اند. عراقی هایی که افتخارشون اینه که به زائر ابا عبدالله (ع) خدمت کنن. با اینکه خودشون درآمدی ندارن، کل سال پول



آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان سرمایه گذاری برا آینده است. پیشنهاد می کنم سخنان رهبری را دوباره مروری بفرمائید. ما متوجه شدیم که منظورتان انحلال دانشگاه فرهنگیان نبوده و نیست اما ما با همین جذب معلم از طریق ماده 28 هم مخالفیم که شما مهر تایید بر آن زده اید.

البته ما هم با جذب های زیاد بدون شایستگی و تعهد از هر طریقی، چه دانشگاه فرهنگیان و چه راه های دیگر بسیار مخالفیم و از شما طلب یاری داریم که از ورود معلمانی که به خوبی معلمی و دانشش را در آغوش نکشیده اند، جلوگیری کنید. سخنان شهید رجائی را فراموش نکنید:

معلمی شغل نیست، معلمی عشق است؛ اگر به عنوان شغل به آن می نگری رهایش کن و اگر عشق توست، بر تو مبارک باد. نویسنده: فاطمهبرزگر بفروئی



وقتی دوبار درسی را آموزش داد و دانش آموزی دوباره گفت که متوجه نشده ام چه عکس العملی باید نشان دهد؟ یک فارغ التحصیل یک علم محض، متوجه میشود دانش آموزی خجالتی است و چگونه باید خجالتش را کم کرد و او را وارد گروه های دوستانه کرد؟ او تشخیص میدهد که چه موقع باید به دانش آموزان به جای درس دادن وقت خواب بدهد تا سر کلاس فقط بخوابند؟ او در یکسال میفهمد که در چه مواقعی باید از الگو استقرائی استفاده کند یا برای کدام درس الگو استعاره ای را به کار ببندد؟

ما دانشجویان دانشگاه فرهنگیان با آنکه 4 سال درس این ها را میخوانیم و واحدهای زیادی درباره روانشناسی رشد و کودک و نقاشی و... پاس می کنیم هنوز در بعضی موارد لنگ میزنیم چه برسد به یک دوره یکساله ضمن خدمت که اگر روانشناسی ها در آن باشد.

اقای غلامی عزیز، وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری، از شما بعید است که ندانید معلمی مانند سایر کارها نیست که با یک سال آزمایشی کار کردن بتوان یادش گرفت و در آن موفق شد. اگر معلمی کردن را بلد نباشی آینده یک نفر را تباه نکردی بلکه آینده نسل و یا نسل هایی را خراب کرده ای.

بعید است که ندانید هزینه در



سخنی از دل با یک وزیر



یک سوالی داشتم... به نظر شما معلمی این است که ما بدانیم دودوتا چهارتا میشود؟؟؟ اینکه من بدانم غشای سلول های بدن از فسفولیپید ساخته شده است یعنی من معلم زیست شناسی خوبی میشوم؟؟؟

معلوم است که نه!!!!!!

معلمی که فقط انتقال علم نیست؛ انتقال زندگیست، انتقال عشق است...

به نظر شما کسی که فقط درس را بداند میتواند به یک دانش آموز با اختلال یادگیری آموزش دهد؟ اصلا بلد هست با دانش آموزی که درس نخوانده و تکالیفش را انجام نداده چگونه برخورد کند؟

میداند وقتی دانش آموزش نقاشی اش را از بالای صفحه شروع می کند، یا چشم های آدمک هایش را خیلی بزرگ میکشد چه معنایی دارد؟ میداند

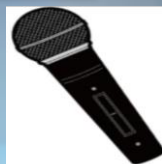


پر بازدید و پر بحث



پیشخوان

صفحه اصلی



بازخوانی اخبار آموزش و پرورش

*** برای جشن پایان
بی سوادی نیازمند
واردات هستیم***
ادامه مطلب....

*** افزایش بودجه ی
آموزش و
پرورش!!!***
ادامه مطلب....

*** آگهی نیازمندی
های آموزش و
پرورش***
ادامه مطلب....

*** جزئیاتی از نامه
وزیر***
ادامه مطلب....

*** آگهی نیازمندی های
آموزش و پرورش ***

به تعدادی معلم ساده
نیازمندیم.
شرایط کار:
روزمزد
بیمه ۲۱ روزه
ابزار کار در کارگاه موجود
است.
شماره ی تماس ۸۸۸۰۵۵۳۲ -
۰۲۱
تماس در ۲۴ ساعت شبانه
روز امکان پذیر است.

*** افزایش بودجه ی
آموزش و پرورش!!!***

بودجه ی دولت برای طرح
خرید خدمات آموزشی به
۹۴۰ میلیارد تومان رسید.
تاکید مجلس بر جبران
کمبود معلم، جهت متوقف
نشدن سیر تعلیم و تربیت
کارمند_کارگر، از جمله ۹
دلیل افزایش بودجه طرح
خرید خدمات آموزشی بود.
از جمله دلایل دیگر می توان
به پی ریزی و پیگیری
مویرگی حذف دانشگاهی
موسوم به دانشگاه
فرهنگیان و ریشه کن کردن
موجوداتی به نام دانش جو
معلم اشاره کرد.

*** برای جشن پایان بی
سوادی نیازمند واردات
هستیم***

بررسی های انجام شده در
زمینه ی بودجه سال ۱۴۰۰
از تخصیص ۳۰۷ میلیارد و
۱۱۵ میلیون تومان بودجه
برای نهضت سواد آموزی
خبر می دهد. اهتمام دولت
مبنی بر کاهش بی سوادی
و ریشه کن شدن آن، بسیار
حائز اهمیت است. اینک
پس از برگزاری جشن پایان
بی سوادی در سال های
گذشته، امسال هم جشن
پایان بی سوادی داریم.
کمک بی شائبه دولت
مبنی بر پایان بی سوادی،
موجب شده است که ما
دیگر فرد بی سواد نداشته
باشیم؛ حال با توجه به این
شرایط برای برگزاری جشن
پایان بی سوادی سال
آینده، نیازمند واردات افراد
بی سواد به کشور هستیم
تا از توفیق برگزاری جشن
پایان بی سوادی در سال
آینده بی بهره نمایم





در رسانه ها و از جمله صدا و سیما هم پخش شد، توضیح دادم که منظور بنده تضعیف دانشگاه فرهنگیان نیست، حالا اگر هم تضعیف شد، قضا و قدر بوده؛ باید به سنت های الهی ایمان داشت.

نویسنده: فائزه کیهانی

7

* جزئیاتی از نامه ی وزیر *

شغل ببخشد. البته چندی پیش به علت شیوع کرونا متوجه شدیم که بیمارستان ها هم با کمبود نیرو مواجه شدند؛ به زودی مابقی فارغ التحصیلان را روانه ی بیمارستان ها می کنیم. ثالثاً اعلام نظر کارشناسی به عدم لزوم گسترش کمی دانشگاه مذکور با تمام محدودیت هایی است که در ابعاد مختلف در این رابطه وجود دارد؛ که البته این کار در قلمرو ماه های پایانی وزارت بنده نمی گنجد.

وزیر علوم تاکید کرد: نکته آخر اینکه عزیزی که ابراز نگرانی کرده اند، قبل از اینکه حضرت آقا نامه را دریافت و ملاحظه بفرمایند، اینهمه واکنش منفی نشان داده اند. لذا باید به این عزیزان گفت نیمه ی پر لیوان را ببینید، شاغل شدن افراد فارغ التحصیل بیکار به وسیله ی این طرح مهم تر است یا تعلیم و تربیت دانش آموزان؟! دانش آموزان که می توانند با سی دی های جهش و آزمون های کاج دروس را فرا بگیرند دکتر غلامی خاطرنشان کرد: بنده همان روز و بلافاصله در مصاحبه ای که

دکتر منصور غلامی در گفت و گو با خبرگزاری آیس، در خصوص انتشار نامه خود به مقام معظم رهبری در مورد لزوم به کارگیری فارغ التحصیلان دانشگاه های کشور در تامین نیروی آموزشی مورد نیاز آموزش و پرورش گفت: متأسفانه از نامه بنده به محضر مقام معظم رهبری، سوء برداشت شده است!

وی ادامه داد: اولاً همانطور که در مطلع نامه آورده شده، به هیچ وجه نظر به کم رنگ شدن جایگاه دانشگاه فرهنگیان نبوده است؛ اگر هم که می بینید ظرفیت پذیرش دانشگاه فرهنگیان پایین آمده یا فلانی فلان حرف را زده، سخت در اشتباهید. ثانیاً بحث استفاده از نیروی انسانی تحصیل کرده موجود که همزمان مسئولین کشور، دغدغه اشتغال آن ها را هم دارند، بوده که بکارگیری آن ها در یک مقطع چند ساله، مشکل تامین انبوه معلم مورد نیاز آموزش و پرورش را هم حل خواهد کرد. اساساً این وظیفه ی آموزش و پرورش است که با مهر مادری به جوانان مملکت

نویسندگان این شماره از نشریه: *فاطمه حاج حسینی، رشته آموزش کودکان استثنائی، ورودی 98* عارفه زارع زاده، رشته آموزش ابتدایی، ورودی 98* سپیده قاسمی فرد، رشته علوم اجتماعی، ورودی 97* فاطمه برزگر بفرویی، رشته آموزش ابتدایی، ورودی 97* فائزه کیهانی، رشته آموزش کودکان استثنائی، ورودی 98* صفحه آرا: طاهره مهراندوز، رشته آموزش راهنمایی و مشاوره، ورودی 96



با ما از طریق پیام رسان بله و تلگرام به نشانی @cfu-sarir در ارتباط باشید و نظرات و پیشنهادات خود را به آیدی @mspm79 ارسال نمایید.